مکتوبات امام ربانی

حضرت مجدد الف ثانی

الشیخ احمد سرهندی قدس سره

دفتر دویم

در مطبع ایجوکیشنل مالکان ایچ-ایم سعید کمپنی

ادب منزل، پاکستان چوک، کراچی

مطبوع گردید

قد اعتنى بطبعه طبعة جديدة بالأوفست

حسين حلمي بن سعيد استانبولي

يطلب من مكتبة الحقيقة بشارع دار الشفقة بفاتح ٥٧ استانبول ـ تركيا

١٣٩٧ هجرى ١٩٧٧ ميلادى

بسم اللہ الرحمن الرحیم

بفضلہ تعالیٰ این مجموعۂ مکتوباتِ شریفہ از حضرت
امام ربانی مجدد الفِ ثانی شیخ **احمد فاروقی** سرہندی قدس سرہٗ
بحسبِ ارشادِ صاحب الرشاد شیخنا و سندنا الحافظ الحاج
سید **زوار حسین** شاہ صاحب دامت برکاتہٗ (بطرزِ عکسی
از نسخۂ مطبوعۂ **امرت سر**) صورتِ انطباع دیدہ نشر می شود۔

محترم لالہ اسرار محمد صاحب

و

محترم حافظ منظور حسین صاحب

و

جملہ عزیزانِ جماعتِ زواریہ سعیدیہ و غفوریہ در انطباعِ
این مجموعہ بہر نوع اعانت فرمودند۔ جزاهم اللہ فی الدارین
احسن الجزاء۔

والسلام

احقر۔ **غلام مصطفیٰ خاں**

ایم اے، ایل ایل بی، پی ایچ ڈی، ڈی لٹ
صدرِ شعبۂ اردو۔ سندھ یونی ورسٹی

ہدیہ ۷۵ روپیہ

۲۸ صفر سنہ ۱۳۹۲ھ

جلّ سلطانهٗ اینجا دو حکم نیست **سوال** پیغمبر اولی العزم هرگاه حکم بحلّ امرے کرده باشد و پیغمبر متابع او دران امر حکم بحرمت نماید لازم مے آید که حکم ثانی ناسخ حکم اوّل باشد و این جائز نیست که نسخ مخصوص به پیغمبر اولی العزم است غیر او ناسخ نمیتواند شد **جواب** نسخ وقتے لازم می آید که حکم ثانی عام بود نسبت بکافهٔ انام تا رفع حکم اوّل که نسبت بگروہے واقع شده بود نماید حکم ثانی عام نیست بلکه نسبت بیک گروہے حکم بحرمت کرده است بحکم اول جنگ ندارد نشنیدی در یک واقعه مجتهدے حکم بحل میکند و مجتهد دیگر در همان واقعه حکم بحرمت مینماید و هیچ نسخ نیست هرچند درمیان این و آن تفاوت فاحش است که اینجا رای است و آنجا اعلام در رای تعدد حکم گنجایش دارد و در اعلام گنجایش ندارد و اما تعدد قوم علاج آن مینماید چنانچه گذشت پس دیده شد انبیاء ما تقدم احکامے که از کتب و صحف پیغمبران اولی العزم بحسب لغت مفهوم میگردند پیغمبران متابع را نیز در انها مجال مخالفت نیست و آن احکام نسبت بکافهٔ انام وارد گشته اند هر پیغمبر متابع بهر قوم که دعوت کند خلاف آن احکام تبلیغ نخواهد کرد اگر حل است همه را حل است و اگر حرمت است همه را حرمت است تا زمانیکه پیغمبر دیگر از اولی العزم بیاید و رفع آن حکم فرماید این زمان نسخ متصور است پس نسخ باعتبار همان احکام باشد که بحسب لغت از صحیفهٔ منزله ماخوذ اند و احکامیکه باجتهاد و اعلام ثابت شده اند و بسنت و اجتهاد منسوب اند نسخ در آنها متصور نیست که این احکام نسبت ببعض است نه ببعض دیگر پس اجتهاد پیغمبرے و همچنین سنت او رافع اجتهاد و سنت پیغمبر دیگر نمیتواند شد که آن نسبت بقومے است و این نسبت بقوم دیگر و اگر این اختلاف نسبت بکافهٔ انام است یا نسبت بیک گروه باشد البته نسخ است چنانچه درین شریعت که حکم منسبت کافهٔ انام است حکم ثانی ناسخ حکم اوّل است پس سنت لاحق پیغمبر ما علیه و علی آله و علی جمیع الانبیاء والمرسلین الصلوات والتحیات ناسخ باشد مر سنت سابق او را علیه و علی آله الصلوة والسلام وحضرت عیسیٰ علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام که بعد از نزول متابعت این شریعت

نسخ احکام پیغمبران

ے یعنی فرود آمدن ویرا از آسمان که نصوص نظیر خود ...

خواهد نمود در اتباع سنت آن سرور علیه و علی آله الصلوة والسلام نیز خواهد کرد که نسخ این شریعت مجوز
نیست نزدیک است که علماء ظواهر مجتهدات او را علی نبینا و علیه الصلوة والسلام از کمال دقت
و غموض ماخذ انکار نمایند و مخالف کتاب و سنت دانند مثل روح الله مثل امام اعظم کوفی است رحمة
الله علیه که ببرکت ورع و تقوی و بدولت متابعت سنت درجهٔ علیا در اجتهاد و استنباط یافته است
که دیگران در فهم آن عاجز و قاصر اند و مجتهدات او را بواسطهٔ دقت معانی مخالف کتاب و سنت دانند
و او را و اصحاب او را اصحاب رای پندارند کل ذلک لعدم الوصول الی حقیقة علمه و درایته
و عدم الاطلاع علی فهمه و فراسته امام شافعی بکرشمه از دقت فقاهت او علیه الرضوان
دریافته که گفت الفقهاء کلهم عیال ابی حنیفة وای از جرأت قاصر نظران که قصور خود را
بدیگرے نسبت نمایند شعر قاصرے گر کند این طائفه را طعن قصور ۔ حاش لله که برآرم بزبان این گله را
همه شیران جهان بستهٔ این سلسله اند ۔ روبه از حیله چسان بگسلد این سلسله را ۔ و بواسطهٔ همین مناسبت
که بحضرت روح الله دارد تواند بود آنچه خواجه محمد پارسا در فصول سته نوشته است که حضرت عیسی
علی نبینا و علیه الصلوة والسلام بعد از نزول بمذهب امام ابی حنیفه عمل خواهد کرد یعنی اجتهاد
حضرت روح الله موافق اجتهاد امام اعظم خواهد بود نه آنکه تقلید این مذهب خواهد کرد علی نبینا و علیه
الصلوة والسلام که شان او علی نبینا و علیه الصلوة والسلام از آن بلندتر است که تقلید
علماء امت فرماید بے شائبهٔ تکلف و تعصب گفته میشود که نورانیت این مذهب حنفی بنظر کشفی در
رنگ دریای عظیم مینماید و سائر مذاهب در رنگ حیاض و جداول بنظر می درآیند و بظاهر هم که ملاحظه
نموده می آید سواد اعظم از اهل اسلام متابعان ابی حنیفه اند علیهم الرضوان و این مذهب باوجود
کثرت متابعان در اصول و فروع از سائر مذاهب متمیز است و در استنباط طریق علیحده دارد و این
معنی منبی از حقیقت است عجب معامله است امام ابوحنیفه در تقلید سنت از همه پیش قدم است
و احادیث مرسل را در رنگ احادیث مسند شایان متابعت میداند و بر رای خود مقدم میدارد